

تجزیه و ترکیب و لغت آیات ۲۲ الی ۲۶ سوره مبارکه ملک

۱. نوع فاء در "أفمن یمشی" و نقش جمله بعدش

- سببیه محضه استینافیه و نقش جمله بعدش، مفعول برای أنظروا محذوف است که توسط همزه تعلیق از عمل شده است و این جمله "انظروا أمن یمشی" مسبب از مطالب قبل است یعنی اینکه حال کافرین را در آیات قبل توضیح داد که اینها در فریب و سرکشی و لجاجتند سبب می شود که نگاه با تفکری داشته باشید در این تمثیلی که در این آیه شریفه ذکر می کند.
- احتمال دیگری در فاء می رود و آن اینکه عطف بر "أمن" در آیه قبل باشد ولی در این صورت ترتیب ذکر را می رساند نه ترتیب حقیقی و تعقیب در ذکر مطلب را می رساند و ظاهراً معنای سببیت را نیز نمی رساند و همه این امور خلاف اصل در فاء است فلذا قائل به سببیه محضه بودن آن شدیم.

۲. معنای همزه استفهام در "أفمن یمشی"

- استفهام تقریری

۳. بررسی صرفی "یمشی"

- فعل لازم از باب فَعَلَ يَفْعَلُ و با رفتن به باب افعال و تفعیل متعدی می گردد.

۴. بررسی لغوی و تجزیه "مکباً"

- اسم فاعل از باب افعال است و ثلاثی مجردش كَبَّ يَكْبُ می باشد که متعدی بنفسه به یک مفعول است که به دو معنا آمده است: ۱. به سر برگرداند ۲. با صورت آن را افکند
- وقتی به باب افعال می رود لازم می گردد و این از نوادر است یعنی باب افعالش، مطاوعه ثلاثی مجردش می باشد؛ كَبَّهُ اللهُ فَهُوَ مُكَبِّ عَلَى وَجْهه

۵. فرق صراط با طریق و سبیل

- صراط فقط یکی است و مقصدش خیر است و هیچ گاه راه با مقصد شر را صراط نمی گویند و صراط همیشه شاه راه است که راه های فرعی به آن میرسد و به راه های فرعی صراط گفته نمی شود بلکه سبیل یا طریق اطلاق می شود اما سبیل و طریق به هر راهی می گویند چه مقصد خیر داشته باشد و چه شر فلذا جمع بسته می شوند زیرا راه های شر زیادند ولی صراط جمع بسته نمی شود زیرا راه راست یکی بیش نیست.
- فرق بین سبیل و طریق: در مفردات راغب آمده که سبیل به راه هموار گویند اما طریق به هر راهی چه راه سخت و چه راه هموار می گویند.

۶. نقش جمله: "قل هو الذی أنشأکم"

• استینافیه

۷. بررسی لغوی "سمع" و معنای ال در آن

- سمع: در اصل مصدر از فعل سَمِعَ يَسْمَعُ سَمْعًا بوده است که این فعل هم به صورت متعدی بنفسه استعمال می شود (سَمِعَهُ) و هم به صورت متعدی به حرف جرّ لام (سَمِعْتُ لَهُ) و گاهی اِلَى (سَمِعْتُ إِلَيْهِ) استعمال می گردد و جمعش أَسْمَاعٌ است و اسم مصدرش سَمَاعٌ است "سَمِعَ" مشترک لفظی است بین چند معنی که البته معنای اصلی اش معنای مصدری بوده و به معانی دیگر منقول گردیده است بدون اینکه معنای مصدری منسب شود فلذا مشترک لفظی است:

۱. معنای مصدری اش به معنای شنیدن: **إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُونَ**

۲. معنای اسم ذاتی به معنای گوش: **خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ**

۸. بررسی لغوی و صرفی "ابصار" و افئدة و معنای ال در آن دو

• ابصار

- جمع مکسر بَصَرٌ است و بَصَرَ مصدر فعل بَصُرَ يَبْصُرُ یا بَصِرَ يَبْصُرُ است و به معنای عَلِمَ يَعْلَمُ است (مانند: **"بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا"** به "طه: ۹۶: دانستم آنچه را که این مردم ندانستند) و باب افعالش (أَبْصَرَ) به معنای دیدن با چشم آمده است. بَصَرَ مشترک لفظی است بین معنای مصدری اش و دو معنای دیگر: حسّ بینایی و چشم

• افئدة

- از ریشه فَاذْ يَفْأُذُ فَاذًا یعنی بریان کرد و افئدة جمع فُؤَادٌ است و فُؤَادٌ اسم ذات به معنای قلب است و قلب را از آن جهت فُؤَادٌ می گویند که در احساساتش می سوزد و بریان می شود.

۹. نقش جمله: "قلیلا ما تشکرون" و نقش و تجزیه "قلیلا" و نوع "ما"

- نوع "ما": ابن هشام در انتهای بحث "ما" مفصّلاً از این آیه بحث نموده است و سه احتمال در آن داده که ما یک احتمال چهارمی هم اضافه کردیم: زائده، اسمیه نکره تامّه به معنای شیئی، مصدریه، نافیه؛ اما ابن هشام به دو احتمال مصدریه و نافیه اشکال وارد نموده است پس دو احتمال زائده و اسمیه تامه می ماند که اگر زائده باشد حرف است و برای تقویت کلام یا برای تأکید قلت آمده است و اگر اسمیه تامّه باشد برای تقویت قلت آمده است.

• نقش جمله "قلیلا ما يؤمنون"

- جمله حالیه و محلاً منصوب است و ذوالحال ضمیر در "لکم" است.

- نکته: در صورتی که چند اسم صلاحیت دار برای ذوالحال واقع شدن در کلام موجود باشد نزدیک ترین اسم را باید ذوالحال قرار داد.
- نکته: در این آیه، فعل مضارع، حال واقع شده است و فعل مضارع سه حالت دارد:
 ۱. اگر غیر مقرون به قد و ما و لای نافیہ باشد: آوردن و نیاوردن واو حالیه جائز است.
 ۲. اگر مقرون به قد باشد: آوردن واو حالیه واجب است.
 ۳. اگر مقرون به ما یا لای نافیہ باشد: نیاوردن واو حالیه واجب است.
- ۱۰. نوع واو در "و يقولون متی..."
 - استینافیہ
- ۱۱. نقش: "إن کنتم صادقین"
 - استینافیہ در حَیْز قول: یعنی در معنی جزئی از مقول قول است ولی در ترکیب لفظی با ماقبلش بی ارتباط است و استینافیہ است.
- ۱۲. نقش: "قل إنَّما العلم..."
 - استینافیہ